

بسمه تعالی



مجمع کارآفرینان ایران
Iran Entrepreneurs Forum

خروج ترامپ از برجام و جایگزینی واردات در ایران
رشد ناخواسته تولید

مرکز مطالعات راهبردی مجمع کارآفرینان ایران

تابستان ۱۴۰۲

مقدمه

توسعه صنعتی در اقتصاد ایران به عنوان یک اقتصاد غنی از منابع طبیعی با چالش دو چندان مواجه است. از یک طرف جذابیت منابع طبیعی و صنایع استخراجی موجب می شود عمده منابع و ظرفیت های کشور به این بخش جذب شود. در ایران هم شاهد این واقعیت هستیم که عمده سرمایه گذاری ها، ارزش افزوده اقتصاد و سبد صادراتی مرتبط به مواد خام طبیعی یا صنایع مرتبط است. از طرف دیگری وابستگی به درآمدهای منابع اقتصاد کشور را در معرض بیماری هلندی قرار می دهد؛ به این معنی که با افزایش قیمت جهانی کمودیتی ها، درآمد ارزی کشور افزایش پیدا کرده و با افزایش ارزش پول ملی رقابت پذیری تولید داخل کاهش یافته و واردات افزایش پیدا می کند. اقتصاد ایران حداقل دو بار، یک بار در دهه پنجاه و بار دیگر در نیمه دوم دهه هشتاد دچار بیماری هلندی و صنعتی زدایی شد.

ممنوعیت واردات تعداد قابل توجهی از کالاها و کاهش ارزش پول در نتیجه خروج ترامپ از برجام در سال ۱۳۹۷ زمینه رشد و توسعه تولیدات داخلی و برندهای ایرانی را فراهم کرد. این گزارش های پس از توضیح ساز و کارهای موثر بر تقویت تولید، شواهد مرتبط آن را بررسی کرده و دلالت های این موضوع برای آینده اقتصاد ایران را شرح می دهد.

محدود کردن واردات

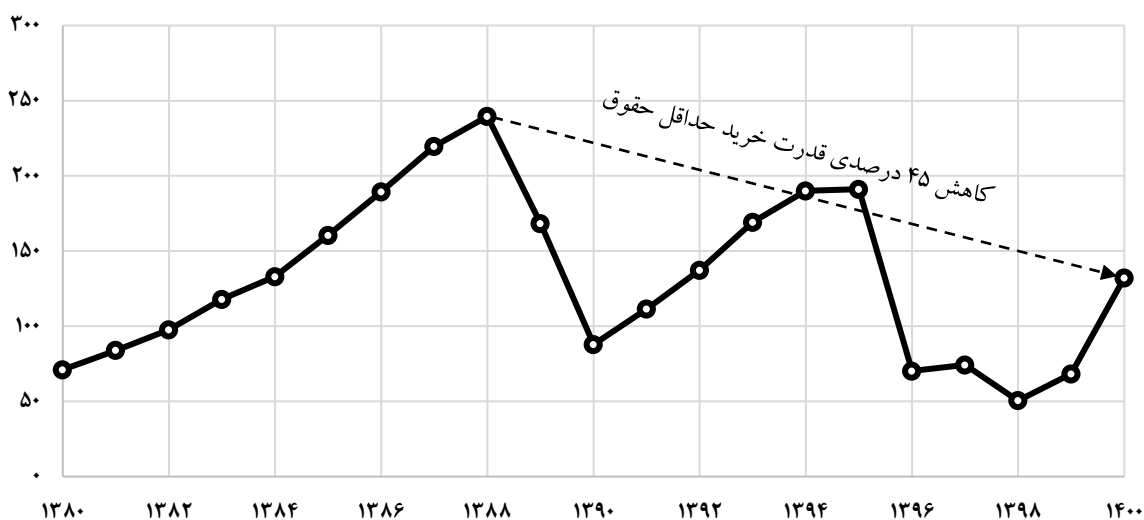
با خروج ترامپ از برجام، دولت به منظور محافظت از منابع ارزی خود، کالاهای وارداتی را به چهار دسته ضروری، نیمه ضروری، غیرضروری و کالاهای ممنوعه تقسیم کردند. بر اساس این اولویت بندی واردات ۱۳۳۹ قلم کالا ممنوع اعلام شد. همچنین در تخصیص ارز برای سایر کالاها نیز سخت گیری هایی انجام شد. برخی از اقلام این لیست شامل انواع یخچال و فریزر، اجاق گاز، در اتوماتیک آسانسور (در کابین)، انواع کابین و فریم کابین آسانسور، انواع در لولایی آسانسور، انواع خودرو، کشنده های جاده ای برای نیمه تریلر، انواع تراکتور کشاورزی، انواع آمبولانس، انواع کامیون مخصوص حمل بتن آماده، هود آشپزخانه، انواع اجاق گاز و برخی از قطعات خودرو و دوربین ها می شد. این موضوع به علاوه تهدید ترامپ باعث خالی شدن بازار داخل از کالاهای خارجی شد و فرصت خوبی برای افزایش سهم بازار تولیدات داخلی پدید آمد.

از آنجایی که این محدودیت های وارداتی بخاطر صرفه جویی در مصرف ارز و نه یک راهبرد توسعه صنعتی (مانند صنعتی سازی مبتنی بر جایگزینی واردات) اعمال شده بودند، مشکلاتی را برای برخی از صنایع بوجود آوردند. برای مثال محدودیت واردات محصولات نساجی، زنجیره تامین صنعت پوشاک را با اختلال مواجه کرد. به طور کلی بخاطر وابستگی شدید صنایع داخلی به نهادهای وارداتی، محدودیت های گسترده می توان مشکلاتی را برای تولیدکنندگان داخلی بوجود بیاورد. از این رو به عنوان یک قاعده کلی بایستی تمرکز محدودیت های وارداتی بر صنایع پایین دست و نهایی بوده و واردات نهادهای تولید تسهیل شود. اما از آنجایی که محدودیت های تجاری به خاطر صرفه جویی ارزی بود، چنین چارچوبی رعایت نشد و به مرور با دریافت اعتراضات و رایزنی تولیدکنندگان بخشی از این مشکلات مرتفع شد.

کاهش ارزش پول

جهش نرخ ارز پس از خروج ترامپ از برجام دومین عاملی بود که زمینه را برای رشد برخی از صنایع داخلی فراهم کرد. با افزایش نرخ ارز، کالاهای خارجی گران تر شده و در نتیجه قیمت‌های نسبی محصولات داخلی کاهش پیدا می‌کند. در این شرایط که به آن بیماری هلندی معکوس هم می‌گویند، مصرف‌کننده کالاهای داخلی را به دلیل قیمت مناسب‌تر ترجیح می‌دهد و به عبارت دیگر رقابت‌پذیری قیمتی تولیدات داخلی افزایش پیدا می‌کند. بیماری هلندی معکوس موجب می‌شود سهم تولیدات داخلی از بازار داخل افزایش پیدا کند. از طرف دیگر با کاهش ارزش پول، هزینه عوامل تولید، به ویژه نیروی کار کاهش پیدا کرده و بهای تمام شده محصولات داخلی کاهش پیدا می‌کند.

همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنید، حداقل حقوق دلاری ایرانیان در نیمه دوم دهه هشتاد از پنجاه دلار به حدود ۲۵۰ دلار رسید. شرایطی که قدرت خرید جامعه بیش از بهره‌وری تولید رشد کرده و منجر به افزایش مصرف کالاهای خارجی و صنعتی‌زدایی شد (بیماری هلندی). پس از تشدید تحریم‌ها، حداقل حقوق دلاری تا ۴۵ درصد کاهش پیدا کرد و این مسئله از یک طرف موجب شد قیمت نسبی کالاهای تولید داخل کاهش پیدا کند و از طرف دیگر با کاهش قدرت خرید جامعه، بسیاری از کالاهای خارجی از سبد مصرفی مردم حذف شود. در نتیجه زمینه برای رشد تولید داخل فراهم شد.

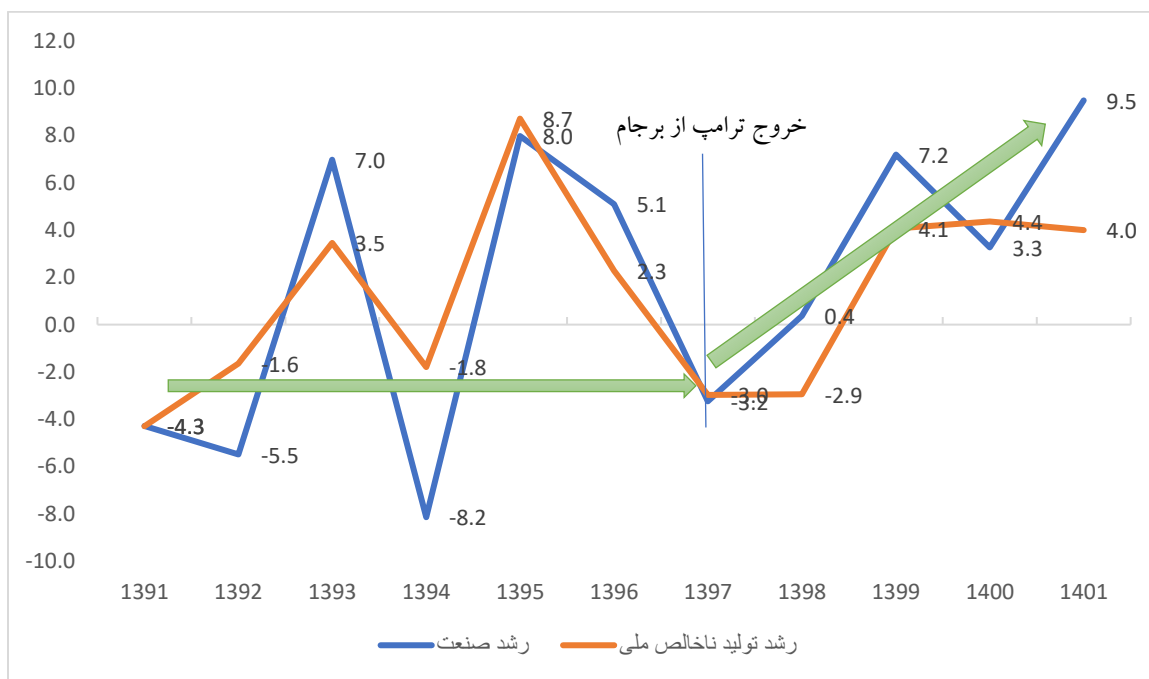


نمودار (۱): قدرت خرید دلاری حداقل حقوق

رشد تولید از طریق جایگزینی واردات

همانطور که در بالا اشاره شد دو عامل محدودیت واردات و کاهش ارزش پول، زمینه را برای رشد تولید مبتنی بر جایگزینی واردات فراهم کرد. به عبارت دیگر صنعت کشور به طور ناخواسته وارد یک دوره جایگزینی واردات شد؛ یعنی شرایطی که خروج ترامپ از برجام ایجاد کرد از طریق دو ساز و کاری که در بالا به آن اشاره شد، بازار داخل را تا حد زیادی در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار

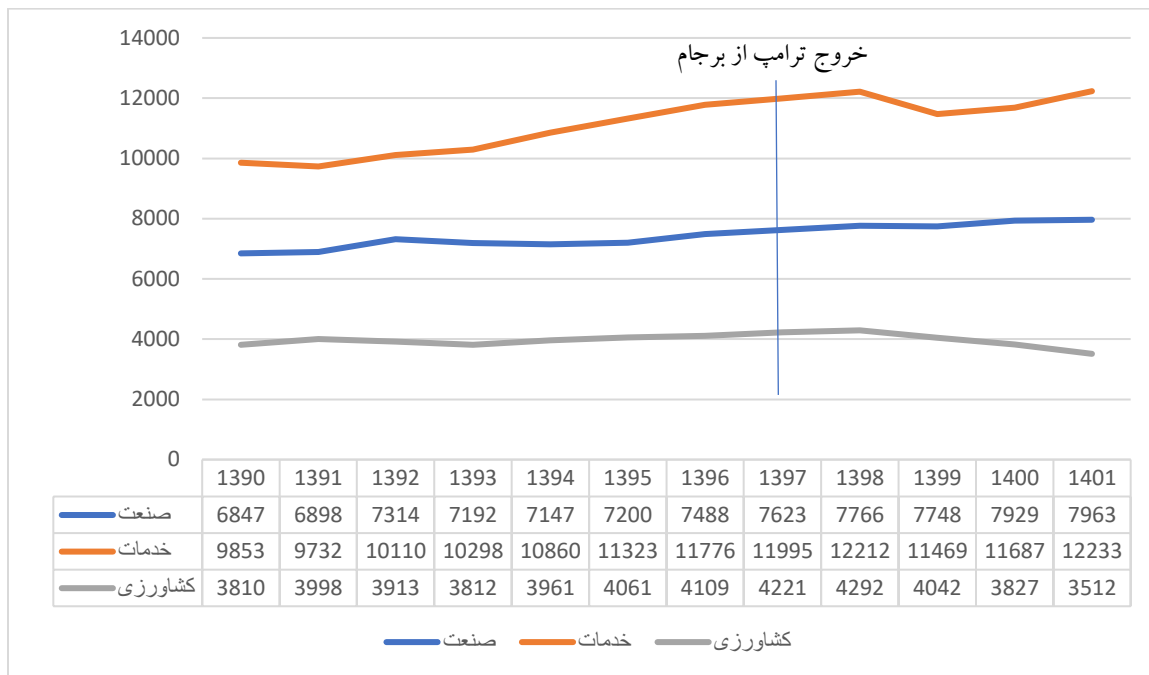
داد. البته یک ساز و کار دیگر هم که به کمک تولیدکنندگان داخلی آمد، تهدید شرکت‌های خارجی از تعامل با ایران بود. برای مثال تا پیش از خروج ترامپ از برجام، برند پوشاک ال‌سی وایکیکی ترکیه تنها در تهران بیست فروشگاه داشت. پس از برجام ال‌سی وایکیکی به همراه تعداد قابل توجهی شرکت مطرح دیگر، فعالیت خود را در ایران بسیار محدود کردند. در حوزه پوشاک، تولیدکنندگان و برندهای کوچک پوشاک از این فرصت استفاده کرده و شبکه خرده‌فروشی خود را به سبک فروشگاه‌های زنجیره‌ای مطرح توسعه دادند. بر اساس آمار حساب‌های ملی، متوسط رشد ارزش افزوده بخش صنعت به قیمت‌های ثابت سال ۹۵، از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ در حدود منفی یک درصد بود. در واقع تحریم‌ها، مذاکرات، برجام و خروج از برجام موجب نوسانات قابل توجه در نرخ رشد شد. ولی از سال ۱۳۹۷ روند رشد اقتصادی و به ویژه ارزش افزوده بخش صنعت تغییر کرد. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنید رشد بخش صنعت بسیار بیشتر از کل اقتصاد بوده و این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده اثر بیماری هلندی معکوس باشد.



نمودار (۲): رشد ارزش‌افزوده فعالیت‌ها، تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۵ - درصد

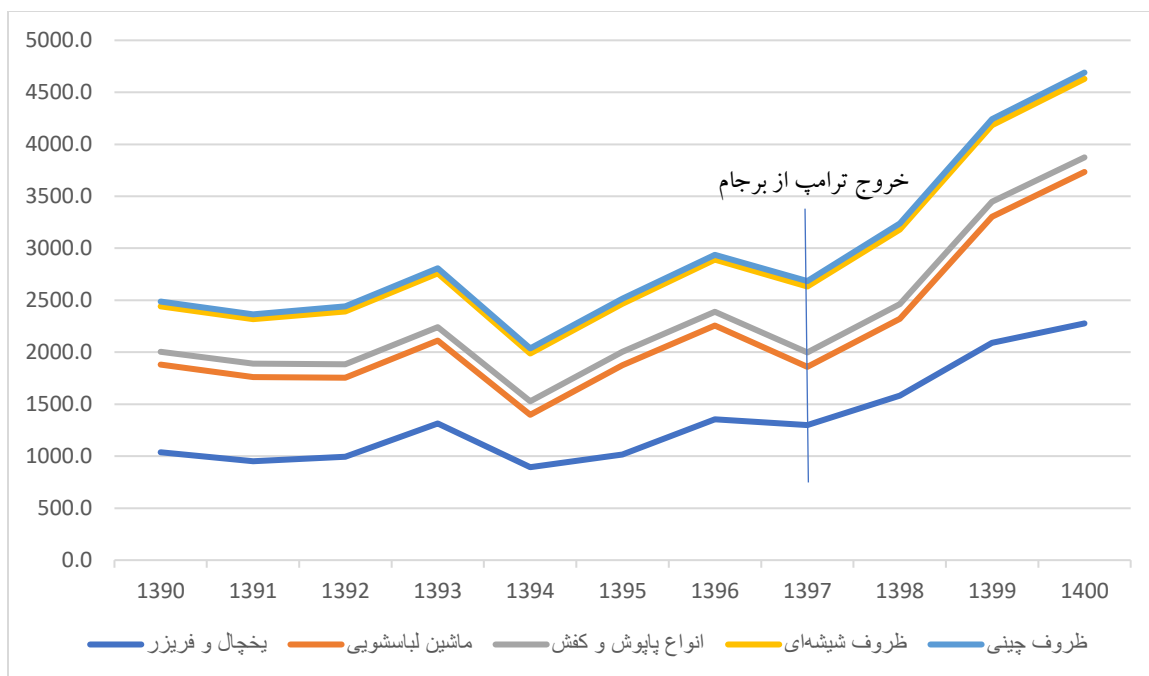
رشد بخش صنعت در آمار اشتغال هم تقریباً مشهود است. همانطور که مشاهده می‌کنید، علی‌رغم کاهش اشتغال بخش خدمات و کشاورزی از سال ۹۷-۹۸ احتمالاً به موجب بحران کرونا و نابسامانی‌های اقتصادی، اشتغال بخش صنعت با روند ملایمی رشد کرد. بطوری که اشتغال‌زایی بخش صنعت به طور متوسط از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ سالانه در حدود صد هزار افزایش داشت. افزایش اشتغال‌زایی بخش صنعت شاهد دیگری بر رشد صنعت در چند سال اخیر است. البته بایستی توجه کرد که بخش بزرگی از تولیدات برخی صنایع مانند

صنعت پوشاک، به صورت غیررسمی و به اصطلاح زیرپله‌ای انجام می‌شود و از این رو در آمار اشتغال رسمی نمی‌آید. پس می‌توان فرض گرفت که احتمالاً رشد اشتغال بخش صنعت بیشتر از مقدار اعلامی هم باشد.



نمودار (۳) اشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد ۱۳۹۰-۱۴۰۱ (منبع: طرح آمارگیری نیروی کار)

علاوه بر آمار رشد صنعت و رشد اشتغال این بخش، بررسی آمار تولید کالاهای منتخب صنعتی هم روند مورد نظر ما را تا اندازه‌ای تایید می‌کند. البته متأسفانه عمده کالاهای منتخب صنعتی مربوط به صنایع بالادست و غیرکارخانه‌ای است. با این حال چند مورد که مربوط به صنایع کارخانه‌ای است موید رشد تولید داخل است. در نمودار زیر، روند تولید پنج محصول شامل ظروف چینی، ظروف شیشه‌ای، انواع پاپوش و کفش، ماشین لباسشویی و یخچال و فریزر بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌کنید تولید تقریباً تمام این محصولات از سال ۱۳۹۷، یعنی سالی که محدودیت واردات و جهش نرخ ارز اتفاق افتاد افزایش یافت.



نمودار (۴): تولید محصولات منتخب ۱۳۹۰ - ۱۴۰۰

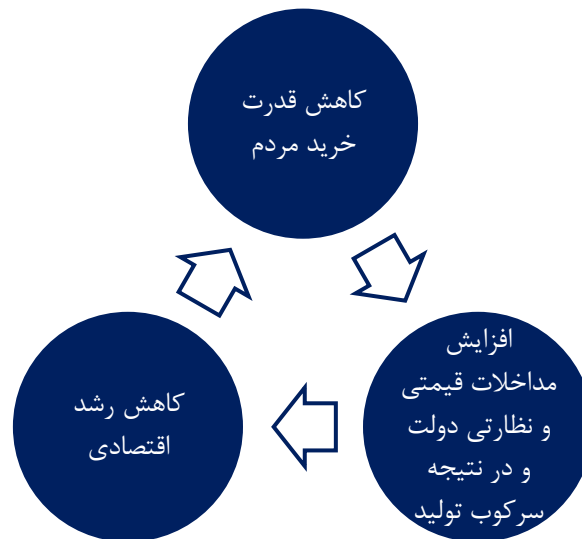
در این بین رشد تولید یخچال و فریزر و همچنین ماشین لباسشویی قابل توجه است. در حالی که تولید داخلی یخچال و فریزر و ماشین لباس شویی به ترتیب از ۱۰۳۸ و ۸۴۱ هزار دستگاه در سال ۱۳۹۰ به ۲۲۷۷ و ۱۴۵۷ هزار در سال ۱۴۰۰ رسید. این رشد تولید قابل توجه با ظهور برندهای لوازم خانگی متعدد ایرانی همراه شد. حالا عمده بازار داخل به تصاحب برندهای ایرانی در آمده و این برندها نه تنها در کمیت که در برخی موارد در کیفیت کالاها هم سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه کردند. در این توسعه‌های کمی و کیفی است که انباشت دانش تولیدی رخ داده و پله‌های صنعتی شدن طی می‌شود. تامین، مدیریت نهاده‌ها، انبارداری، لجستیک، تولید، فروش و بازاریابی، برندینگ و ضمانتنامه و خدمات پس از فروش از جمله حوزه‌هایی هستند که یادگیری در آنها اتفاق می‌افتد و به مرور سرریزها این قابلیت‌ها باعث توسعه سایر صنایع می‌شود.

در حوزه پوشاک هم این تحول کمی و کیفی قابل مشاهده است. تا پیش از سال ۱۳۹۷، تعداد بسیار محدودی برند پوشاک غیررسمی ایرانی وجود داشت و حوزه فعالیت آن‌ها هم بسیار محدود بود. پس از سال ۱۳۹۷، با جهش نرخ ارز و محدودیت واردات، شاهد رشد تولید پوشاک داخل و توسعه برندهای پوشاک ایرانی بودیم. به طوری که امروزه حداقل پنج شش برند مطرح ایرانی داریم که بیش از چهل پنجاه شعبه فروشگاه‌های در سراسر کشور دارند. پدیده‌ای که قبل از این در صنعت پوشاک کشور سابقه نداشت. ظهور فروشگاه‌های زنجیره‌ای نه تنها یادگیری‌های قابل توجهی در حوزه‌های تبلیغات و بازاریابی، فروشگاه‌داری، لجستیک، حسابداری و انبارداری، مشتری‌مداری به همراه دارد، بلکه با تجمع سفارشات موجب می‌شود تولید صنعتی پوشاک در مقیاس‌های بزرگ توجیه پیدا کند. بنابر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی عملکرد صنایع نساجی و پوشاک و ارائه راهبردهای تقویت آن در برنامه هفتم توسعه»، سهم تولید داخل از نیاز بازار به ترتیب در بخش‌های الیاف، نخ، پارچه، پوشاک و سایر منسوجات نهایی، ۴۴، ۶۸، ۷۲، ۸۷ و ۹۷.۵ درصد

بوده است. در صورتی که در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۹۰، سهم تولید کنندگان ایرانی از بازار داخلی پوشاک بین ۴۰ تا ۶۰ درصد تخمین زده می‌شد.

این روند جایگزینی واردات در سایر حوزه‌های تولیدی هم قابل مشاهده است. امروزه برندهای ایرانی اسباب‌بازی، ابزارآلات، مبلمان، لوازم التحریر، محصولات آرایشی و بهداشتی، مواد غذایی و ... ظهور کرده‌اند که تا پیش از این حضور پررنگی در بازار نداشتند. در صنعت خودروسازی نیز علیرغم تمام مشکلات مربوط به تحریم و قیمت‌گذاری دستوری، شاهد رشد قابل توجه تولید هستیم. لازم به یادآوری است که با رشد و توسعه صنایعی مانند خودروسازی، لوازم خانگی، پوشاک، محصولات آرایشی و بهداشتی و ... زنجیره‌ای از صنایع و خدمات تامین‌کننده و پشتیبان این صنایع رونق می‌گیرند و می‌توانند موتور محرک اقتصاد باشند.

البته بایستی اشاره کرد که رشد تولید بدون مشکل و مانع هم نبود. تحریم و کاهش ارزش پول، تامین نهاده‌ها و ماشین‌آلات و تعمیر و نگهداری تجهیزات را با اختلال مواجه کرد. از طرف دیگر، همانطور که اشاره شد، محدودیت واردات در برخی موارد تامین نهاده‌های تولید را با مشکل مواجه کرد. برای مثال ممنوعیت واردات نساجی باعث اختلال در زنجیره تامین پوشاک شد. هرچند بسیاری از این مشکلات با دریافت بازخورد از تولید کنندگان و رایزنی‌های صورت گرفته اصلاح شد. از طرف دیگر با افزایش تورم، تمایل دولت به کنترل و سرکوب قیمت‌ها هم بیشتر شد و بسیاری از صنایع کشور از این برخوردهای قهری متضرر شدند. کنترل قیمت‌ها به صورت گسترده در دستور کار قرار گرفت و بسیاری از تولید کنندگان را با مشکلات جدی مواجه کرد. نمونه برجسته مداخلات مخرب، قیمت‌گذاری خودروهایی داخلی است. صنعت خودروسازی که می‌توانست با ممنوعیت واردات خودرو از سال ۱۳۹۷، از بازار انحصاری برای رشد و توسعه استفاده کند، با مداخلات قیمتی غیرمنطقی دولت، دچار زیان انباشته بالایی شد. این چرخه معيوب در شکل زیر قابل مشاهده است.



شکل ۱: چرخه معيوب اقتصادی

نکته اینجاست که اگر این مداخلات مخرب اقتصادی نبود، احتمالاً شاهد رشد و توسعه صنعتی بسیار بیشتری در چند سال اخیر می‌بودیم. با این حال همین رشد صنعتی و برندهای شکل گرفته هم اهمیت بالایی دارد.

جمع‌بندی

در این گزارش نشان دادیم که چگونه محدودیت وارداتی و همچنین جهش نرخ ارز در نتیجه خروج ترامپ از برجام، زمینه را برای رشد و توسعه بخش صنعت فراهم کرد. این جایگزینی واردات ناخواسته یا به عبارت دیگر بیماری هلندی معکوس، باعث شد سهم تولیدکنندگان ایرانی از بازار داخل افزایش قابل توجهی پیدا کند. بر اساس آمار و ارقام، نرخ رشد صنعت، اشتغال صنعتی و تولید محصولات منتخب صنعتی در این دوره افزایش داشت. آلیس امسدن، اقتصاددان توسعه پس گرفتن بازار داخل از کالاهای خارجی را یک مرحله مهم و اساسی در صنعتی شدن و ظهور شرکت‌های بزرگ ملی می‌داند. در واقع اولین مرحله صنعتی شدن که جایگزینی واردات و رشد تولید است تا حد قابل توجهی اتفاق افتاده است. حالا نوبت فرآیندی است که در ادبیات توسعه صنعتی از آن به عنوان «منطقه‌سازی صنعتی» یاد می‌شود. یعنی با تشویق و تنبیه، بنگاه‌های شکل گرفته در دوره جایگزینی واردات را به تملک و ادغام یکدیگر تشویق کنیم تا صرفه اقتصادی و بنگاه‌های بزرگ رقابتی شکل بگیرند.

در واقع امروزه زمینه برای ظهور برندهای ملی با حداقل مقیاس اقتصادی که توانایی رقابت در بازارهای صادراتی را داشته باشد وجود دارد. برای مثال بایستی فکر کرد که چطور می‌توان از چند ده برند لوازم خانگی ایرانی، یکی دو برند ملی بزرگ ایجاد کرد. این مسئله نیازمند سیاستگذاری هوشمند، توجه زیاد به بخش صنعت، گفتگو با بخش خصوصی، و تدوین و ارائه چشم‌انداز نسبت به آینده اقتصاد است. یعنی بنگاه‌های تولیدی باید بدانند سیاست‌های میان‌مدت دولت در خصوص تعرفه‌های وارداتی، نرخ ارز و سیاست تامین مالی چگونه است تا ریسک ادغام و سرمایه‌گذاری برای بزرگ شدن را بپذیرند.

هر چند شواهد فعلی نشان از کم توجهی سیاستگذاران اقتصادی به صنایع کارخانه‌ای و استفاده از فرصت بوجود آمده برای صنعتی‌سازی و ایجاد چند شرکت ملی رقابت‌پذیر می‌دهد.